خبر

کاهش ۳۳ درصدی فروش سینماهای جهان

فروش فیلم‌های سینمایی در جهان طی سال ۲۰۲۲ در مقایسه با دوره پیش از همه‌گیری کرونا، ۳۳ درصد کاهش یافت. آن‌طور که شبکه تلویزیونی المیادین خبر داد، سینمای جهان با چالش‌های متعددی روبه‌روست که مهم‌ترین آنها جنگ، بیماری‌های واگیردار و بحران‌های اقتصادی است. پلتفرم‌های دیجیتال، تلویزیون و تجهیزات هوشمند که دسترسی به محتوای سینمایی را تسهیل می‌کند، به رقیب‌های سرسختی برای سالن‌های سینما تبدیل شده‌است. این تحولات تاثیر زیادی بر درآمد تهیه‌کنندگان سینمایی گذاشته که شرایط آنها در کشورهای مختلف، متفاوت است. کاهش درآمد فروش فیلم‌های سینمایی در سال ۲۰۲۲ باعث نگرانی تهیه‌کنندگان شده، به‌ویژه این که درآمد هفت میلیارد و ۳۵۰ میلیون دلاری فروش فیلم‌های سینمایی در این سال، ۳۳ درصد کمتر از دوره پیش از همه‌گیری کرونا در سال ۲۰۱۹ است. روزنامه انگلیسی دیلی میل تاکید کرد بسیاری از تماشاگران سینما، ترجیح می‌دهند از تلویزیون و رایانه‌های خودشان، فیلم‌های سینمایی را تماشا کنند. به‌ویژه که پلتفرم‌های پخش محتوای دیجیتال که مهم‌ترین آنها نتفلیکس است، توسعه زیادی پیدا کرده است. در زمان همه‌گیری کرونا، بسیاری از شهروندان در خانه‌های‌شان محبوس شدند، به همین علت تماشای فیلم‌های سینمایی از پلتفرم‌های دیجیتال رونق گرفت و مراجعه به سالن‌های سنتی سینما کاهش یافت. / صدا و سیما

یادداشت

بالا رفتن سلبریتی‌هایی از نردبان نظام جمهوری اسلامی ایران

حمید بهمنی
کارگردان سینما

بحث اکران و گیشه کم‌فروغ که در حال حاضر سینمای ایران با آن مواجه است، ازجمله بحث‌های سینمایی است که ریشه در اواسط دهه ۷۰ دارد.

سال ۷۶ در اولین دوره اصلاحات بود که برای اولین‌بار دفترچه سینمای ایران ازسوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ترسیم شد. در این دفترچه که اهداف غایی سینمای ایران مطرح شده بود به‌وضوح جای خالی آثاری با محوریت اشاعه فرهنگ انقلاب اسلامی، اشاعه فرهنگ دفاع مقدس، اشاعه فرهنگ خانواده‌دوستی و مباحثی از این قبیل دیده می‌شد. این در حالی است که در دوره‌های پیش از آن به این موضوعات در سینمای ایران بسیار پرداخته می‌شد.

آن زمان سینمایی ظهور کرد به نام سینمای آزاد یا سینمای تساهل و تسامح که به‌عنوان مثال توجیه‌شان این بود که چون ایران با عراق به صلح رسیده پس دیگر نیازی به سینمای دفاع مقدس نیست!

بعد از آن بود که در فیلم‌ها کم‌کم شاهد شکستن حریم‌ها بودیم و ما از همان زمان متوجه می‌شدیم که تحولی نامبارک در حال رخ دادن است. این تحول نامبارک تنها مختص به حوزه سینما نبود و در سایر حوزه‌های فرهنگی (موسیقی، تئاتر، کتاب و...) هم دیده می‌شد. بنابراین ریشه فیلم‌هایی سطحی‌نگر از همان زمان کاشته شد که امروز ماحصل آن را در گیشه کم‌رونق سینماها می‌بینیم. از همان ایام باید جلوی ساخت این‌گونه فیلم‌های بی‌محتوا در سینما گرفته می‌شد که نشد.

امروز اما برای برون‌رفت از چنین شرایطی باید به ریشه‌های ارزشمند دهه ۶۰ برگردیم؛ ریشه‌هایی مثل مهربانی، احترام به والدین، ایثار، همکاری و....

امروز معدودی از فیلمسازان و بدنه سینما اعتقادی به نظام جمهوری اسلامی ندارند. آنها نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را نردبانی برای بالا رفتن خود می‌کنند و وقتی به آن بالا رسیدند به تمام ارزش‌های نظام پشت پا می‌زنند!

این افراد مظاهر فساد ظاهری در سینما هستند و همین فسادهای ظاهری و باطنی در سینما باید حذف شود که مردم به سینما اعتماد کنند.

مگر نه این‌که جشنواره فیلم فجر نماد یک ساله آثار سینمای ایران است، پس چرا تعداد فیلم‌هایی با نماد و شاخصه‌های انقلاب در این جشنواره این‌قدر کم است! قطعا برگشت به ریشه‌ها در آثار سینمایی باعث جذب مخاطب و رونق گیشه می‌شود.

منظورم این نیست که مطابق جامعه امروز نباشیم و پسرفت کنیم اما باید با حفظ ریشه‌های ایرانی - اسلامی در مقوله فرهنگ و هنر گام برداریم. فیلم‌هایی که مدام سیاه‌نمایی می‌کنند، موقعیت‌های غلط اجتماعی را نشان می‌دهند، خیانت را عادی‌سازی می‌کنند و... چه سودی برای مردم و جامعه دارند؟ این‌گونه فیلم‌ها را مقایسه کنید با فیلمی مانند «آژانس شیشه‌ای» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا.

حاتمی‌کیا در بستر یک داستان زیبا، ضمن نقد افکار و موازین جامعه پس از جنگ، به ارائه راهکار برای حل معضلات آن روزگار می‌پردازد.

به جرأت می‌گویم تعداد انگشت‌شماری از محصولات سالانه سینمای ایران در جامعه تاثیرگذاری مثبت دارند.

چرا فکر می‌کنیم دوره نشان دادن خانواده و جامعه‌ای پویا که در کنار تمام مشکلات اجتماعی امیدوارانه جلو می‌رود، گذشته‌است؟

چرا استقلال و پیشرفت‌های جمهوری اسلامی را در قالب داستان‌هایی جذاب برای مخاطب به تصویر نمی‌کشیم؟ مردم دیگر توان تماشای این حجم از سیاه‌نمایی و تلخی را در قالب فیلم در سالن‌های سینما ندارند.

فیلم‌هایی که تاریخ را تحریف می‌کنند

جنگ روایت‌ها یا چه کسی کندی را کشت؟

سعید مستغاثی
مستندساز و کارشناس سینما

در صحنه‌ای از فیلم «جی.اف.کی» ساخته الیور استون در سال ۱۹۹۱، جیم گریسون (با بازی کوین کاستنر) وکیل نیواورلئانی پرونده ترور و قتل جان اف کندی، با فیلمی مواجه می‌شود که تصاویری از صحنه ترور کندی را نشان می‌دهد و تصاویر به‌روشنی گویاست کندی از چند سوی مخالف مورد اصابت گلوله قرار گرفته است.

این واقعیت با آنچه سال ۱۹۶۴ به عنوان نتیجه تحقیقات پرونده قتل رئیس جمهور آمریکا از سوی کمیسیونی موسوم به وارن اعلام شد (و متاسفانه پس از قریب به ۶۰ سال و حتی پس از انتشار بخش اعظم اسناد سیا دراین باره طی دو سال اخیر هنوز بر آن تاکید می‌شود) که تنها یک فرد به نام هاروی اسوالد را قاتل کندی معرفی کرد، کاملا مغایرت داشت و نشان می‌داد در جریان ترور کندی افراد و چه بسا گروه‌های متعددی حضور داشته‌اند. به همین دلیل، جیم گریسون مجدد پرونده بسته‌شده کندی را گشود و تحقیقات مجددی را آغاز کرد که طی آن اگرچه به سرنخ‌های مختلفی دست یافت، اما در هیچ‌کدام به قطعیتی نرسید. تا این‌که یک مامور سیا (با بازی دانالد ساترلند) پیامی سری برای گریسون فرستاد و از او تقاضای دیدار کرد.

طی آن دیدار مامور فوق پس از توضیح مفصل درباره ماموریت ویژه‌ای که در روز ترور جان اف کندی به وی داده بودند، می‌گوید گزینه‌هایی مثل اسوالد یا روبی (کسی که اسوالد را روبه‌روی چشم پلیس و خبرنگاران و مردم به قتل رساند) یا کلی شاو (با بازی تامی لی جونز) تاجری که مخالفان کندی را تامین مالی می‌کرد یا ناراضیان کوبایی یا مافیا و سایر مظنونان مطرح ترور و قتل کندی، فقط مردم را در خواب و خیالی نگه می‌دارند تا مثل یک بازی، حل معما را حدس بزنند. اما این عناصر تنها آنها را از پرسش‌های بسیار مهم‌تر دور نگه می‌دارد.

آن مامور سازمان سیا پرسش‌های مهم را در سه سؤال کلیدی خلاصه کرد؛ چرا کندی کشته شد؟ چه کسی از آن سود برد؟ چه کسی قدرت داشت که آن را پوشش بدهد؟ به نظر می‌آید پاسخ به این سوالات می‌تواند پشت‌پرده بسیاری از توطئه‌های سیاسی - تاریخی که درمورد‌شان روایت‌های مختلفی وجود داشته و حدس و گمان‌های متعددی زده می‌شود را روشن کند.

درواقع الیور استون با طرح این سوالات به عنوان یک هنرمند، کلید رمزگشایی بخش مهمی از رازهای سربسته تاریخی را مطرح کرد و به این وسیله خود را به عنوان یک فیلمساز هوشمند در تاریخ سینما شناساند.

در موارد بسیاری از رازهای پیچیده تاریخ معاصر (چه این‌که قبل از ساخت فیلم جی‌اف‌کی اتفاق افتاده باشند و چه پس از آن)، فرمولی که الیور استون در فیلم جی‌اف‌کی و از زبان آن مامور سیا مطرح کرد، می‌توانست و می‌تواند موثر بوده و رمزگشا باشد، البته اگر مخاطبان، احساسات و تعصب‌های گوناگون را کنار بگذارند و با عقل و منطق، روایت‌های مختلف را شنیده و درموردشان قضاوت‌کنند.

حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

از جمله درباره حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله به برج‌های تجارت جهانی در نیویورک که با توجه به فرمول فوق به هیچ‌وجه نمی‌توان سر و ته قضیه را با امثال بن‌لادن و محمد عطا و مانند آنها به هم آورد و می‌توان براساس آن سه سؤال فیلم جی‌اف‌کی، پاسخ‌های مناسب را یافت؛ مثلا این‌که چه کسی می‌توانست آن حادثه را به‌وجود بیاورد؟ چه کسی از آن سود برد؟ و چه کسی می‌توانست آن را پوشش دهد؟ که پاسخ هر سه سؤال قطعا بن‌لادن و محمد عطا و مانند آنها نمی‌توانند باشند.

اول این‌که به اذعان و اعتراف بسیاری از کارشناسان و متخصصان، آن دو برج نیویورکی نمی‌توانستند با برخورد دو هواپیما طی تنها ۹/۲ ثانیه و به صورت سقوط آزاد کاملا فرو بریزند و قطعا در فروریختن آنها بمب‌ها و موادمنفجره بسیاری در نقطه‌نقطه آن ساختمان‌ها به کار گرفته شده بود که آثارشان در بسیاری از تصاویر و فیلم‌های مستند درباره حادثه ۱۱ سپتامبر مشخص است. این درحالی است که هنوز گذشتن هواپیماهای یادشده از سد دیوار دفاعی سخت و آهنین نیروی هوایی آمریکا و همچنین فرو رفتن آنها در دل برج‌ها مورد سؤال و پرسش اساسی قرار داشته و هیچ مستندات‌اتی ولو یک قطعه کوچک از هواپیمایی که به پنتاگون برخورد کرد، ارائه نشده‌است.

دوم، آمریکا و همدستانش، در قبال آن دو برج نیویورکی، دو کشور افغانستان و عراق را سال‌ها اشغال کردند و ارتش و نیروهای نظامی خود را در منطقه گسترش دادند. ده‌ها پایگاه جدید در این منطقه بنا و هزاران تفنگدار خود را مستقر کردند، میلیاردها دلار ثروت این کشورها را به غارت بردند و تحت عنوان مبارزه با تروریسم و قانون میهن‌پرستانه، هر ندای آزادیخواهانه و استقلال‌طلبانه و ضدامپریالیستی را در گلو خفه کردند تا بتوانند نقشه‌های استراتژیک خود را در جهان پیاده کنند.

و سوم، آنها از طریق رسانه‌های فراوان دیداری، شنیداری و مکتوب وابسته به خود، دنیا را زیر بمباران تبلیغاتی قرار دادند که گویا این افغانستان و عراق بودند که سلاح‌های کشتارجمعی داشتند و دنیا را تهدید می‌کردند (آنچه به اذعان خود مسئولان آمریکایی و رسانه‌های‌شان، هیچ‌گاه ثابت نشد) و همین پروپاگاندای تبلیغاتی مجوزی برای اشغال این دو سرزمین و تهدید سایر کشورهای منطقه شد.

راز سر به مهر ترور شاه

در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ شاه ظاهرا توسط خبرنگاری دوربین به دست به نام ناصر فخرآرایی ترور شد (یک ترور ناموفق) و فخرآرایی همان جا توسط محافظان شاه کشته شد. از جیب فخرآرایی یک کارت خبرنگاری نشریه پرچم اسلام وابسته به گروه فداییان اسلام بیرون آمد.

براساس همین مدرک، نیمه‌شب همان روز، آیت‌ا... کاشانی (به عنوان رهبر معنوی گروه فداییان اسلام) با ضرب و شتم دستگیر و در قلعه فلک‌الافلاک زندانی و سپس به خارج از کشور تبعید شد. این در شرایطی بود که حدود یک ماه پیش از این واقعه و پس از رسمیت بخشدن به رژیم صهیونیستی، اولین تظاهرات ضداسرائیلی به دعوت آیت‌ا... کاشانی در حمایت از فلسطینیان با حضور هزاران نفر از مردم مسلمان برگزار شد و حتی گروه زیادی از مردم، در حال سازماندهی برای سفر به فلسطین و مبارزه با اسرائیل کنار مردم فلسطین بودند.

به نظر می‌آید با فرمولی که در فیلم جی‌اف‌کیبرای رمزگشایی توطئه‌ها ارائه شد، به آسانی می‌توان دریافت طراح و عامل اصلی عملیات ۱۵ بهمن چه تشکیلاتی بوده و امثال فخرآرایی و کارت خبرنگاری روزنامه‌ای حامی آیت‌ا... کاشانی، به قول آلفرد هیچکاک فقط مک گافین ماجرا بوده است و نمی‌توانسته اساسا وجود داشته باشد.

آتش‌سوزی سینما رکس آبادان

در آتش‌سوزی سینما رکس آبادان به رغم وجود تمامی اسناد و مدارک معتبر از دخالت ساواک و اجیرشدگان رژیم شاه در آن ماجرا برای انتقام از نهضت امام، باز هم انقلابیون متهم ماجرا و از سوی رسانه‌ها و بوق‌های تبلیغاتی خارجی به عنوان عامل اصلی معرفی شدند، اما همان فرمول سه‌سواله فیلم جی‌اف‌کی می‌تواند تا حدود زیادی مجرمان اصلی را مشخص کند.

اول؛ توانایی انجام کار: این‌که ایستگاه آتش‌نشانی در نزدیکی محل سینما بوده ولی ماموران دو ساعت پس از وقوع حادثه در محل حاضر شدند و آن هم برخی ماشین‌های آتش‌نشانی بدون آب و فاقد مواد اطفای حریق بودند و همین تاخیر زمانی برای شهربانی که کلانتری‌اش در ۳۰۰ متری محل سینما قرار داشت، روی داد که تا یک ساعت، هیچ‌کدام از ماموران شهربانی در محل حاضر نشدند.

دوم؛ سود بردن رژیم شاه از این واقعه: براساس ابراز خشم مردم انقلابی نسبت به سالن‌های سینما در کنار مشروب‌فروشی‌ها و بانک‌ها به عنوان مراکز فساد رژیم شاه، چنین واقعه دلخراشی می‌توانست بیش از همه به نفع رژیم شاه تمام شود که با متوجه ساختن آتش زدن سینما به سمت انقلابیون، حریف خود را به‌شدت آچمز کردند و به روال معمول، آنها را مسئول چنین فاجعه‌ای جلوه‌دهند.

سوم؛ پوشش دادن آن فاجعه توسط رادیو تلویزیون و مطبوعات وابسته در حالی که انقلابیون به رسانه‌های سراسری دسترسی نداشتند و به همین دلیل هم نمی‌توانستند مانند رژیم شاه روی چنین حادثه‌ای مانور دهند. در نتیجه مزدوران شاه با استفاده از رسانه‌های یاد شده، به‌خوبی توانستند تئوری خود را علیه نهضت امام و انقلابیون پیش ببرند.

ماجرای ایذه و کیان پیرفلک

نشریه معتبر و بین‌المللی کریدل (The Cradle) درباره یکی از همین روایت‌های متفاوت گزارشی دارد. روایتی که کریدل انتخاب کرده، ماجرای چهارشنبه خونین ایذه در ۲۵ آبان ۱۴۰۱ و در جریان درگیری‌های این شهر بود که با تیراندازی تروریست‌ها، هفت نفر از هموطنان از جمله دو کودک به نام‌های کیان و آبتین به شهادت رسیدند.

تیتر گزارش کریدل که در ۲۳ نوامبر مقارن ۳ آذرماه (یعنی یک هفته پس از واقعه خونین ایذه) انتشار یافت، این بود:

«جنگ روایت: چه کسی کودک را در ایذه ایران کشت؟»

و در ذیل آن آمده بود: «مرگ یک پسر جوان در هفته گذشته نشان می‌دهد چگونه روایت‌ها عمداً در تعارض تحریف می‌شوند...»

چه کسی می‌توانست تیراندازی کند؟

مخالفان، نیروهای انتظامی را متهم به تیراندازی و قتل کیان کردند. اما نشریه کریدل در ادامه گزارش خود نوشته: «... دو روز بعد، فیلم‌هایی از شب‌های ناآرام در ایذه در شبکه‌های اجتماعی پخش شد.

آنها جزئیات ناشناخته قبلی از فعالیت‌های مخالفان را فاش کردند، مثل تیراندازی و پرتاب سنگ برای از بین بردن دوربین‌های نظارت محلی... اما قابل توجه‌ترین فیلم در طول این رویدادها یک فیلم سه دقیقه‌ای است که توسط دوربین بدنه (یکی از ماموران) ضبط شده است. ما از هویت دقیق نیروهای امنیتی که صدای آنها در این فیلم شنیده می‌شود اطلاعی نداریم. این فیلم از آن نظر حائز اهمیت است که وقایع منجر به مرگ کیان را ثبت کرده است.

ضمنا با ادعای مادر مبنی بر کشته شدن پسرش با گلوله تفنگ‌های داوطلبان بسیجی در تضاد است. از طریق مکالمات بین اعضای نیروی امنیتی ضبط شده توسط دوربین بدن، متوجه می‌شویم هیچ‌یک از آنها مجهز به تفنگ یا گلوله‌های زنده نیستند، آنها تفنگ پینت بال دارند و تفنگ‌های ساچمه‌ای آنها گلوله‌های لاستیکی دارند...»

نشریه کریدل در پایان گزارش خود نوشته: «... جزئیات بیشتر داستان شروع به مبهم شدن می‌کند و جنگ روایت‌ها شروع می‌شود...»

اما در اینجا نیز همان فرمول سه‌سواله الیور استون در فیلم جی‌اف‌کی به جواب صحیح‌تر و نزدیک به واقعیت کمک می‌کند؛ چه کسی توانایی تیراندازی به اتومبیل خانواده پیرفلک را داشت؟ چه کسی از کشته شدن دلخراش یک پسر بچه ۹ ساله سود برد؟ کدام طرف با انواع و اقسام رسانه‌ها و شبکه وسیع مجازی خود می‌توانست این ماجرا را بنا به روایت خود، سمت و سو دهد؟

زادروز

زیر پوست نقش

علی رستگار: وقتی اولین بار او را به نقش بهادر، یک خواستگار خوش‌چهره باکتی که به تنش زار می‌زد و آن پیراهن زرد به عنوان داماد در مراسم خواستگاری فیلم «هدف» (بهرام کاظمی/ ۱۳۷۳) دیدیم، راستش خیلی خوشبین نبودیم از او بازیگر درخوری دربیاید. حتی ژست‌های بعدی‌اش با تفنگ شکاری هم کورسوی امیدی ایجاد نکرد و آن مرگ با ضربه تبر هم به نظر می‌توانست نقطه شروع و پایان یک بازیگر جوان باشد اما محمدرضا فروتن در ادامه با بازی در فیلم‌های مسعود کیمیایی و به ویژه بعد از درخشش در نقش ناصر ملک در «قرمز» و عباس «زیر پوست شهر» نشان داد که با دیگر چشم آبی‌های سینمای ایران تفاوتی اساسی دارد و آمده که بماند اما به شکل عجیبی آن جوان عاشق پیشه با صدای بغض‌آلودش، تنها در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ جواب داد و از روشنایی ستاره دیروز در سال‌های اخیر خبری نیست. امیدواریم سینمای ایران قدر این بازیگر مستعد را بداند و ۵۴ سالگی آغازی برای تغییر شمایل و درخشش دوباره‌اش باشد.

جشنواره

انتشار فراخوان فجر برای تبلیغات سینما

فراخوان بخش مسابقه تبلیغات سینمای ایران چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر منتشر شد. این بخش که مهلت ثبت‌نام آن از ۷ تا ۲۱ دی ماه خواهد بود با هدف شناسایی، معرفی و تشویق آثار و شیوه‌های خلاقانه و موثر در عرصه بازاریابی و پخش آثار سینمایی و به منظور ارتقای سطح کیفی تبلیغات و اطلاع‌رسانی در عرصه صنعت سینما، در بخش‌های عکس، پوستر، آنونس و تیزر فیلم‌های سینمایی ایرانی برگزار می‌شود.

متقاضیان شرکت در بخش مسابقه تبلیغات سینمای ایران باید از طریق مراجعه به وب‌سایت رسمی جشنواره به نشانی fajrfilmfestival.com، نسبت به عضویت، ثبت‌نام، تکمیل فرم شرکت در جشنواره و بارگذاری نمونه آثار خود، مطابق بند شرایط اختصاصی مقررات اقدام کنند. تمام مواد تبلیغاتی سینمایی (داستانی، پویانمایی و مستند) که از ۱۵ دی ۱۴۰۰ تا ۲۱ دی ۱۴۰۱ در داخل کشور اکران عمومی شده باشند یا در سامانه‌های نمایش درخواستی به صورت آنلاین به نمایش عمومی (اکران آنلاین) درآمده باشد، می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.

رویداد

۲ انتصاب جدید در جشنواره فیلم مقاومت

مشاور علمی دبیر و مدیر کمیته بین‌الملل هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت معرفی و منصوب شدند. آن‌طور که روابط عمومی هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت خبر داد، جلال غفاری، دبیر این رویداد طی احکامی جداگانه سیدمهدی ناظمی را به عنوان مشاور علمی دبیر و محمدعلی مومنی‌ها را به عنوان مدیر کمیته امور بین‌الملل این جشنواره معرفی و منصوب کرد. پیشتر هم طی احکامی جداگانه محسن رفیعی، اسماعیل آجرلو، محسن جوادی و پرویز رادی ده‌نوی به ترتیب به عنوان دبیر اجرایی، قائم‌مقام، مشاور عالی دبیر و مدیر کمیته استان‌ها و مدیر دبیرخانه جشنواره فیلم مقاومت معرفی و منصوب شده بودند. تبیین، تبلیغ و ترویج گفتمان مقاومت در مقابل نظام سلطه و استکبارستیزی ملل مظلوم جهان و مبارزه با صهیونیسم بین‌الملل، از جمله اهداف این دوره از جشنواره مقاومت هستند. هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم «مقاومت» به همت انجمن سینمای انقلاب و دفاع‌مقدس بنیاد فرهنگی روایت فتح اسفندماه امسال در پهنه خلیج همیشه فارس برگزار خواهد شد.